

# بنمود بهارِ نو

## نگاهی به نحوه، نوع و تفسیر حضور بهار در شعر پارسی

بهار از همان قدیم الایام هم جزو سرحال‌کننده‌ترین نعمت‌های خداوند بود و مردم با رسیدنش کیفور می‌شدند، ولی چون آن موقع‌ها اینستاگرام نبوده تا ملت از شادیشان استوری بگذارند، با شعر و ادبیات شادی خود را ابراز می‌کردند و تا دلتان بخواهد شعر داریم درمورد بهار و نوروز. در این مطلب صرفاً چند بیت از این شعرهای حافظ را می‌شکافیم ببینیم ایشان چه منظوری داشته؛ البته شعر آخر برای سعدی است که به‌عنوان شاعر مهمان در این مطلب حضور دارند.

### خوشرز عیش و صحبت و باغ و بهار چیست

### ساقی کجاست گوسبب انتظار چیست

شاعر که در این‌جا به عیددیدنی رفته بوده است، بعد از این‌که کلی با میزبان درباره‌ی بهار و آب‌وهوایش صحبت بیخودی می‌کند، در نهایت خسته شده و از صاحبخانه می‌پرسد که چرا همسرش که گویا ساقی نام داشته، چایی و شیرینی می‌آورد؟ وی در ادامه می‌افزاید: «ما تا شب چهارجای دیگه هم باید سر بزنیم، به چیز دم‌دستی بیارین بخوریم، بریم».

### رسید مژده که آمد بهار و سبزه دمید

### وظیفه گر برسد مصرفش گل است و نبید

در اینجا شاعر به یکی از دوستانش که متأشفانه هردو اسیر غول اعتیاد هستند، مژده می‌دهد که بهار رسیده و طبیعتاً گل‌های خشخاش به بار نشسته‌اند (سبزه در این مصرع همان گل خشخاش است که برای رعایت مسائل امنیتی این‌گونه عنوان می‌شود). در ادامه این مژده، شاعر هشدار می‌دهد که «منتها باید در مصرف گل خشخاش احتیاط کرد، چرا که در ایام نوروز پلیس آماده‌باش است و اگر حتی یک افسر وظیفه ما را پیدا کند، جسدان را ضبط خواهد کرد و خودمان را توقیف».

### بهار می‌گذرد دادگستر ادرباب

### که رفت موسم و حافظ هنوز می‌نچشید

شاعر که یک زندانی است و برای حفظ آبرو، خود را حافظ نامیده است، در این‌جا از دادگستری تقاضا می‌کند که با توجه به حسن اخلاق وی در زندان، درخواست مرخصی نوروزی او را زودتر بررسی کنند، چرا که این ۱۳ روز عید در حال تمام شدن است و شاعر هنوز به میوه‌ها و شیرینی‌های عید لب هم نزده است. این بیت در لایه‌های بعدی انتقادی هم به بروکراسی اداری مطرح می‌کند که رسیدگی به درخواست مرخصی وی را اینقدر طول داده‌اند.

### چو غنچه گرچه فرو بست گیسست کار جهان

### تو هم چو باد بهاری گره گشامی باش

در این بیت توپ تحویل سال را در کرده‌اند ولی شاعر هرچه دست پدرش را بوسیده و انتظار کشیده از پدرش عیدی دریافت نکرده است، لذا ضمن بوسیدن دست وی برای بار بیست و ششم به پدرش می‌گوید که علی‌رغم اوضاع پیچیده و بد اقتصاد جهانی به‌دلیل پاندمی ویروس کرونا، شما باد سخاوتمند بهاری را سرلوحه‌ی زندگی قرار دهید و عیدی ما را بدهید که زندگی ما هم خرج دارد به خدا.

### ساقیا سایه ابر است و بهار و لب جوی

### من نگویم چه کن اراهل دلی خود تو بگوی

شاعر که استاد دانشگاه است در این بیت با سؤال مکرر دانشجویان مواجه شده که می‌پرسند: «استاد! هفته آخر اسفند کلاس تعطیل یا نه؟». استاد به دلش می‌خواهد کلاس تعطیل بشود تا وی هم به کار و زندگی‌اش برسد، اما به‌دلیل سیاست‌های آموزشی دانشگاه مبنی بر دایر بودن کلاس‌ها تا ۲۸ اسفند، نمی‌تواند مستقیماً به دانشجویانش بگوید

که کلاس را بیچانند، لذا با اشاره به هوای بهاری و دلپذیر آخر اسفند از دانشجویانش می‌خواهد که به عقل و شعور خود رجوع کنند تا بفهمند تکلیف چیست؟ (طبیعتاً در زمان شاعر کلاس‌ها مجازی نبوده‌اند).

### شکر آن را که دگر بار رسیدی به بهار

### بیخ نیکی بنشان و ره تحقیق بجوی

شاعر در این بیت با یک آدم سخت‌گیر مواجه شده که هر خواستگاری برای دخترش می‌آید، یک عیبی روی جوان مردم می‌گذارد و ردش می‌کند. لذا شاعر به این بهار دل‌انگیز اشاره می‌کند و لطف خداوند را به این پدر سخت‌گیر یادآوری می‌کند که نامبرده زنده مانده و هنوز بهار را می‌بیند؛ در نتیجه از وی می‌خواهد که با توجه به کمبود شوهر در جامعه دست رد به سینه این خواستگار آخری نزنند و برود مثل آدم تحقیق کند، شاید پسر خوبی بود و دخترش را خوشبخت کرد.

### بدان رسید ز سعی نسیم باد بهار

### که لاف می‌زند از لطف روح حیوانی

شاعر در این‌جا بعد از عمری به‌مناسبت نوروز به یک مهمانی دعوت شده و دلش را برای کباب و مرغ بریان صابون زده بوده است، لکن موقع شام با پوره سیب‌زمینی مواجه می‌شود. صاحبخانه توضیح می‌دهد که برای رعایت حقوق حیوانات غذای گوشتی نداریم. لذا شاعر در این بیت می‌گوید: «مردک برای جشن بهار این‌همه آدم دعوت کرده بعد بیخودی لاف حقوق حیوانات می‌زند، خب مثلاً ما آن گوسفند را نخوریم، او ادامه تحصیل می‌دهد؟ خسیس‌گدا!».

### تنور لاله چنان برفروخت باد بهار

### که غنچه غرق عرق گشت و گل به جوش آمد

مراد از لاله در این شعر، تنها شیرینی‌پز عصر شاعر است که لاله نام داشته و تنور لاله هم طبیعتاً قنادی وی می‌باشد. شاعر در این بیت می‌گوید که در آستانه فصل بهار به دلیل افزایش قیمت شکر و روغن، قیمت شیرینی چنان بالا رفته است که تازه دامادها (غنچه) به‌دلیل ناتوانی در خرید شیرینی، شرمنده شده و غرق عرق شدند و تازه عروس‌ها (گل) که پیش خانواده‌شان خجالت کشیدند، عصبانی شده و همین‌اول زندگی مهریه‌شان را گذاشتند اجرا.

محمدرضا

رضایی

ایران

ویژه نامه طنز نوروزی

شماره اول × بهار ۱۴۰۱

۵

۱۴

آزاده نامداری مجری دور تند تلویزیون درگذشت. افراد و جریان‌ها به فراخور کاسبی خود به مرگ وی واکنش نشان دادند. این سر طیف واکنش‌ها مسمومیت دارویی در اثر بی‌توجهی تلویزیون و آن سرش خودکشی در اثر روشنفکری قرار داشت.

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو

آرشیو